



تاریخ: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

شماره: ۹۶۰۶۷۰

پیوست:

گواهینامه پذیرش، چاپ و ارائه مقاله

سرکار خاتم / جناب آقای سمیرا پاکروان، بیتا اسمعیلی، بهاره بهرامی فر، جعفر طاهری

بدینوسیله به استحضار می‌رساند مقاله جنابعالی با کد پیگیری B-00988-AB و تحت عنوان:

اصناف پیشه‌وری و فتوت نامه‌های صنعتی

با توجه به نظر کمیته داوری دومین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب جهت چاپ و ارائه در این کنفرانس که در تاریخ ۶ خرداد ماه ۱۴۰۱ با نمایه و مجوز رسمی برگزاری از پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شماره اختصاصی ۸۲۱۸۷-۰۱۲۱۱ توسط دانشگاه هنر اسلامی تبریز برگزار خواهد شد پذیرفته گردیده است. توفیق روزافزون حضرتعالی را از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

با تقدیم احترام

دکتر آریتا بلالی اسکویی

دبیر علمی کنفرانس



برگزارکننده: دانشگاه هنر اسلامی تبریز

اصناف پیشه‌وری و فتوت‌نامه‌های صنفی

سمیرا پاکروان^۱، بیتا اسمعیلی^۲، بهاره بهرامی‌فر^۳، جعفر طاهری^۴

۱ کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه فردوسی مشهد. pakravan.samira@mail.um.ac.ir

۲ کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه فردوسی مشهد. esmaeeli.bita@alumni.um.ac.ir

۳ کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه فردوسی مشهد. bahare.bahramifar@mail.um.ac.ir

۴ استادیار گروه معماری، دانشگاه فردوسی مشهد. j.taheri@um.ac.ir

چکیده

آیین فتوت و جوانمردی از جمله ذخایر معنوی و فرهنگی است که به صورت یک سلسله تعالیم اخلاقی و حکمت عملی در طول تاریخ برای عامه مردم درآمده است. تصوف و عرفان از مهم‌ترین جریان‌های فکری و معنوی اثرگذار بر این آیین بوده است. این آیین به کمک جریان تصوف و از طریق ارتباط حلقه‌های صوفی با نهادهای صنفی به سازمان‌های پیشه‌وری راه پیدا کرد و به تدریج سازمان صنفی تشکیل شد. تا جایی که همه اصناف پیشه‌وران از جمله معماران به‌ویژه از اواخر قرن هشتم هجری در همه‌جا خود را به شاخه‌ای از فتوت منسوب داشتند. از این‌رو، برای هریک از مشاغل و پیشه‌ها، فتوت‌نامه‌هایی تدوین شد که در آن شیوه‌ی سیر و سلوک اخلاقی میان پیشه‌وران هر صنف، به روشنی توضیح داده شده است. بهره‌گیری از این سلوک اخلاقی در عالم حرفه با توجه به اهمیت اخلاقیات در عصر امروز ضروری به‌نظر می‌رسد. هدف از این نوشتار لزوم پایبندی به اخلاق در هر حرفه و صنعت و با تأکید بر صنعت معماری می‌باشد. بدین منظور برای انجام این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به مستندات تاریخی و مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی ادبیات موضوع پرداخته شده است. این مقاله در نهایت با مطالعه و بررسی فتوت‌نامه‌های صنفی برجامانده از پیشینیان به‌خصوص فتوت‌نامه بنایان، اصول اخلاقی و معنوی به‌عنوان منشور اخلاقی ارائه خواهد داد تا توشه‌ای برای اهل پیشه در اخلاق حرفه‌ای صنعت معماری فراهم آید.

واژه‌های کلیدی: آیین فتوت، اصناف، فتوت‌نامه اصنافی، فتوت‌نامه معماری

۱- مقدمه

فتوت در اسلام مسلکی است اخلاقی که به تهذیب اخلاق و استوار گردانیدن برادری میان مردم، فراخواندن به فضایل و شجاعت و دوری از رذایل و جبن می‌انجامد [۱]. در طول زمان این افکار و آداب جوانمردی در قالب فتوت‌نامه‌هایی از نسلی به نسل دیگر منتقل شدند. "فتوت‌نامه" دستورالعمل‌های عقیدتی و اجرایی هستند که اهل هر حرفه برای خود داشته و با استناد به آن روابط بین خود و جامعه را تعیین می‌کرده‌اند [۲]. این متون که با زبانی رمزگونه چون کتب عرفانی نگارش شده‌اند، مشتمل بر قواعد، عادات و آدابی هستند که به‌عنوان یک عهدنامه صنفی و پشتوانه دانش و بینش خاص هر حرفه مطرح بوده و دست به دست اصحاب حرفه می‌گشته‌اند [۳].

در گذشته وجود فتوت و جوانمردی در میان مردم موجب گردید تا این آیین به میان اصناف، پیشه‌ها و مشاغل نفوذ کند و هر صنفی برای خود، آداب و مرام‌نامه‌ای داشته باشد. رابطه میان مشاغل و اصناف با فتوت‌نامه‌هایی که بزرگان حرفه‌ها در هر صنف نوشته‌اند، موجب گشت تا فتوت‌نامه‌ها، نظارتی اخلاقی بر زندگی حرفه‌ای توده مردم داشته باشند. هدف از نگارش این

رساله‌ها، لزوم پایبندی به اخلاق در هر حرفه و صنعت، جلوگیری از انحراف‌ها و لغزش‌های اهل فتوت و پیاده‌سازی و عملی کردن اصول نظری فتوت بوده است.

متأسفانه امروزه در عالم حرفه، نه سپردن کار به اهل فن و هنر با اخلاقیات او، نه به مناسبات هنرمند با تشکیلات صنفی اش ارتباطی دارد. در گذشته، تربیت اخلاقی در حین تربیت حرفه‌ای صورت می‌گرفت و فرد با همه اعمال زندگی، از جمله آموزش و علم معماری، بار می‌آمد و صفات اخلاقی خود را شکل می‌داد. رشد معمار در تشکیلات صنفی به اخلاق و منش فردی و اجتماعی او وابسته بود چرا که اخلاق نه امری عرفی، بلکه امری دینی و لازمه تقرب به خداوند تلقی می‌شد. در باب اخلاق فتوت و آیین جوانمردی، پژوهشگران مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی نوشته‌اند، از این رویکرد اخلاقی در متن‌های صوفیانه هم چون رساله قشیریه، کشف‌المحجوب، اسرارالتوحید، تذکره‌الاولیاء و از همه پیش‌تر در طبقات الصوفیه ابوعبدالرحمن سلمی سخن گفته شده است. دانشمندان و پژوهشگران معاصر نیز، متأثر از جنبه‌های اخلاقی اجتماعی جوانمردان و اهل فتوت، تحقیقات ارزشمندی را ارائه نموده‌اند و هر کدام این رویکرد عرفانی را از زوایای مختلفی بررسی و ارزیابی کرده‌اند؛ به عنوان نمونه دکتر محمدجعفر محجوب در مقدمه فتوت‌نامه سلطانی عمدتاً خاستگاه سیاسی تاریخی بروز این جریان را با تأکید بر نقش دولت عباسی بررسی کرده است. عبدالحسین زرین کوب در کتاب جستجو در تصوف ایران ربط و نسبت فتوت و ملامت را توضیح داده است [۴]. در این میان عبدالباقی گولپینارلی نیز به مقایسه، تحلیل و نقد فتوت‌نامه‌ها و دیگر تشکیلات فقیان در کشورهای اسلامی به ویژه فلات آناتولی پرداخته است [۶]. مرتضی صراف در مجموعه‌ای تحت عنوان رسائل جوانمردان هفت رساله فتوت‌نامه را گردآوری کرده [۵]، که با الهام از کار وی برخی دیگر از پژوهشگران چهارده رساله در باب فتوت و اصناف را تصحیح و منتشر نموده‌اند؛ که برخی از این رساله‌ها عبارتند از: رساله شاطران، رساله نمدمالي، رساله خبازان، رساله کرباس بافتن و سنگ و ترازو، رساله قصابان و سلاخان و رساله حمامیان و سلمانیان [۷].

پژوهش حاضر در چهار بخش تنظیم شده است؛ در بخش نخست براساس اسناد تاریخی موجود اصول جوانمردی و فتوت در گذشته ارائه می‌گردد، در بخش دوم به تشکیلات و کارکردهای اجتماعی اصناف می‌پردازد، در بخش سوم رابطه میان مشاغل و اصناف با فتوت‌نامه‌هایی که بزرگان حرفه‌ها در هر صنف نوشته‌اند بررسی می‌شود و در پایان رعایت اصول اخلاق در معماری از طریق نظارت فتوت‌نامه‌ها بر صنف معماری مطرح می‌گردد.

بنابراین این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر می‌باشد.

- آیین فتوت چگونه کار و عمل اجتماعی روزمره را در جامعه آن روزگار به امری قدسی تبدیل کرده است؟

- آیین فتوت چگونه می‌تواند موضع حرفه معماری را در رابطه با اخلاق تعریف و مشخص نماید؟

۲- مفهوم فتوت و جوانمردی

فتوت لغتی عربی است که به معنی «جوانی» و زمان شباب و حرکات مناسب دوران جوانی است و در زبان فارسی به «جوانمردی» ترجمه شده است و معادل لاتین‌اش «جوونیس» است [۸].

محجوب نیز در مقدمه کتاب فتوت‌نامه سلطانی این‌گونه بیان می‌کند؛ لغت فتوت مشتق شده از کلمه عربی «فتی» به معنای تازه جوان و کسی را گویند که پای در دوران جوانی نهاده و روزگار خوش شباب را آغاز کرده است. در فرهنگ‌نامه‌ها فتوت را جوانمردی و مردمی معنی کرده‌اند (منتهی‌الارب) و فتی به معنی جوان و جوانمرد نیکوخواهی است. فتی به معنای جوانسال از هر چیز و فناء بر وزن سماء جوانی و جوان شدن و جوانمردی نمودن است [۴].

در عصر جاهلی فتوت را مجازاً به معنی شجاعت و فتی را به معنی شجاع می‌گرفتند، از آن پس فتی را به معنی بخشنده به کار بردند. بدین ترتیب در عصر جاهلی دو معنی مجازی برای لفظ فتی پدید آمد: شجاعت و سخاوت؛ و عرب این دو صفت را از تمام صفات پسندیده‌تر و ستوده‌تر می‌دانست. وقتی لفظ فتی بر سر زبان‌ها افتاد و بسیار کسان را فتی خواندند، شاعران ممدوح خویش را برای مبالغه «فتی‌الفتیان» گفتند و نظایر چنین ترکیبی در عربی وجود داشت مانند اشجع الشجعان، اسخی الأسخياء و نظایر آن‌ها [۴].

در اسلام فتوت مسلکی است اخلاقی که به تهذیب اخلاق و استوار گردانیدن برادری میان مردم و فراخواندن به فضایل و دوری از رذایل می‌انجامد [۱] و اهل فتوت گروهی از جوانمردانند که به یکسری دستورالعمل‌های اخلاقی و مذهبی همراه با وظایف و آداب جدی و استادانه مقید هستند. آن‌ها ملزم به انجام فضایل خاص هستند و معمولاً برای ارائه وظایف نظامی در خدمت اسلام هستند [۹].

از نخستین روایاتی که از زبان رسول (ص) درباره‌ی اصحاب فتوت نقل کرده‌اند، یکی این است که رسول (ص) فرمود نشانه‌ی جوانمردان امت من عبارت است از راستی در گفتار، وفای به عهد، و ادای امانت و ترک دروغ و رحمت آوردن بر یتیم و بخشیدن به سائلان و بذل نائل و افزودن به نیکی‌ها و مهمان‌نوازی و سرهمی این خصلت‌ها حیا و شرم است [۱].

۲-۱- پیشینه فتوت

مطالعات فلسفی نشان می‌دهد، که اولین کاربرد فتوت به قرن دوم هجری قمری (قرن هجدهم میلادی) می‌رسد، اما شکل‌گیری ریشه‌ی اخلاقی آن بسیار مبهم است. بعضی‌ها معتقدند که فتوت به عنوان مسیر عرفانی، روشنگری و رفتاری است که توسط استادان صوفی تهیه شده، اما هم‌چنین می‌تواند نشانه‌ای از تشکیلات اجتماعی شهری نیز باشد [۱۰].

کلمه‌ی فتی تا پیش از اسلام در میان عرب‌ها به کار می‌رفته و از حیث فکری، «فتی» به شخصی اطلاق می‌شد، که به منتهای انسانیت و حدکمال رسیده بود و دو فضیلت سخاوت و شجاعت از ارکان اصلی فتوت به شمار می‌رفت [۱۱ و ۱۲] اما شروع پیدایش این طرز فکر و گروه خاص در ممالک عرب نبود، بلکه منشا وجودی آن ایران و آن گروه‌هایی از مردان بود که خود را "جوانمردان" می‌نامیدند و هدفشان کسب درجات معنوی بود [۱۱].

فتوت در اسلام تاریخی خاص دارد و "خصلتی از خصائل دین و صفتی کامل‌کننده برای عرفا به شمار آمده، و پیمانی است میان مراد و مرید در تمسک قانون دین قویم و عمل بر طبق قسطاس مستقیم" [۱۲]. اصل کلمه‌ی فتی در ترجمه‌های کهن قرآن کریم در ذیل آیه‌ی "قالوا سمعنا فتیً یذکره یقال له ابراهیم" غالباً در برابر آن "جوانک"، "جوان"، "جوانمرد" و "برنا" آمده است [۸].

فتوت و جوانمردی در معنای یک اصطلاح دینی و آیینی متضمن مسلکی است که هم‌زمان با تصوف در اکثر بلاد سرزمین اسلامی رواج داشته است. اگرچه ریشه‌های آیین جوانمردی را می‌توان تا ایران پیش از اسلام و فرهنگ پهلوانی ایرانیان امتداد داد، اما ظهور و بروز اصلی این آیین اجتماعی را می‌بایست با ظهور اسلام و تعالیم قرآن و سیره‌ی انبیاء و اولیای الهی جست‌و جو کرد. به‌طور مشخص تشیع با محوریت سیره امیر المومنین علی (ع) تأثیری بسیار عظیم بر تطورات این آیین داشته و در دوره‌های مختلف به بازتولید آن کمک نموده است [۱۳].

۲-۲- ظهور فتیان و تشکیلات آن

پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که ظهور فتیان در آغاز سده‌ی چهارم ه.ق/ دهم میلادی بوده است و فتیان در آن وقت به «عیاران»، «سرگردانان» یا «یاغیان» شهرت داشته‌اند. البته میان ایشان و جوانمردان ارتباطی دیده نمی‌شود. ظاهراً اصول جوانمردی در سده‌ی پنجم ه.ق تکوین یافته و آثار آن در تالیف‌هایی که پیوندگاه فتوت و تصوفاند، دیده می‌شود [۱]. استاد مصطفی جواد نوشته است که در اواسط قرن چهارم، عیاران و شاطران شیوه‌ی خویش را به فتوت دینی وابسته کردند و از این رهگذر دست به تباهی‌های بسیار زدند و او خود تصریح می‌کند که در این حدود از سال‌های قرن چهارم دیگر میان این دو گونه حیات روحی یعنی "فتوت" و "عیاری" مرزی وجود نداشته است. در آغاز قرن پنجم این عیاران دست به کارهای بی‌سابقه‌ای از قبیل مصادره‌ی اموال مردم و به آتش کشیدن خانه‌ها زدند [۸].

وضع بر این منوال بود تا خلیفه الناصر الدین الله (۵۷۵-۶۲۲ ه.ق/ ۱۱۸۰-۱۲۲۵ م) روی کار آمد و به فتوت توجه نمود، و به اصلاح و سر و سامان بخشیدن آن پرداخت و این تشکیلات را به دولت ملحق کرد و آن را زیر نظر خود گرفت ولی به این نیز

بسنده نکرد و تصمیم گرفت که آن را در سراسر ممالک اسلامی منتشر سازد، پس با امرا و پادشاهان مکاتبه کرد و از آنها خواست که به فتوت بپیوندند؛ بدین ترتیب این مسلک بین بسیاری از مردم "در شرق و غرب عالم" منتشر گردید [۱۲].

۲-۲-۱- جوانمردان و فتیان بلاد اسلامی

جوانمردان در ایران و فتیان در دیگر بلاد اسلامی یک شاخه از مسلمانان شیعی مسلک بودند که به تبع عرفای نامدار سده‌های نخستین اسلام کوشیدند به باطن و درون احکام شریعت دست یابند و عشق و محبت و حرمت به میثاق دوستی و وفای به عهد را که در بطن این قوانین و احکام نهفته است مآخذ اعمال خود قرار دهند و احساسات رقیق و ادراک ظریف عارفانه را به کمک فتوت‌نامه‌های هر صنف و گروهی به اعماق جامعه ببرند و به مشتاقان و مستعدان بیاموزند و در عمل جاری گردانند [۱].

۲-۲-۲- نسبت جوانمردان با تشیع و تصوف

پس از دور نبوت، ولایت آغاز می‌شود و فتوت که جامع هر دوی این‌هاست، پایه‌گذارش حضرت ابراهیم (ع)، قطب آن امام علی (ع) و خاتم آن حضرت حجت (عج) است. از این‌جا پیداست که اندیشه‌ی فتوت بستگی کامل با اندیشه‌ی شیعی و برداشت شیعه از امامت دارد. هم‌چنان که پژوهشگران اهل سنت که به پژوهش درباره‌ی فتوت برخاسته‌اند، به‌رغم میل خود چون محققان شیعی عمل کرده‌اند. از دیدگاه فتوت، رسالت پیامبران از عصر حضرت ابراهیم (ع) همانند خدمت شوالیه‌گری است؛ یعنی حضرت ابراهیم نمونه‌ی فتی (جوانمرد) و امام علی (ع) نمونه‌ی کامل شوالیه است [۱].

عده‌ای از متصوفه نیز درباره‌ی مقام فتوت اظهار نظر کرده‌اند؛ از جمله شهاب‌الدین سهروردی که خود نیز به فتوت منسوب است، در رساله‌ای موسوم به اداله العیان علی البرهان، فتوت را شاخه‌ای از تصوف معرفی می‌کند و بدین ترتیب تصوف را از فتوت و صوفیان را از فتیان برتر می‌شمارد [۶].

در میان تصوف، فرقه‌ای که فتیان با آن بیش از دیگر فرق ارتباط برقرار می‌کنند، فرقه ملامتیه هستند [۱۱]. سلمی از اولین کسانی است که درباره‌ی ملامتیه سخن گفته و در شرح صفات ملامتیان به شرح صفات فتوت نیز می‌پردازد، چرا که به‌زعم او پایه‌گذاران مذهب ملامتیه، ملامت را نوعی از فتوت و جوانمردی می‌دانستند و از این‌رو خود را فتیان و رجال می‌خواندند [۱۴].

۲-۲-۳- جوانمردان در ایران

آیین فتوت و فتیان که در فارسی به جوانمردی و جوانمردان شناخته می‌شود از سابقه‌ای طولانی برخوردار است که ریشه‌های آن به جنبش‌های رهایی‌بخش ایرانیان در مقابل خلفای ظالم اموی و عباسی باز می‌گردد. در آن ادوار چنین نگرشی را می‌توان در آیین عیاری و عیاران مشاهده کرد [۲].

نخستین جلوه‌های آشکار این آیین در ایران و در شکل جدید آن، یعنی فتوت را باید در بعد از هجوم مغول و مصائب ناشی از این هجوم جست‌وجو کرد، آن‌چه خاندان‌ها را برباد داده و جوامع را از هم پاشیده بود. در میان این خرابه‌هاست که پاره‌ای آیین‌ها و مشرب‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی شکل گرفته و مجال بروز می‌یابند. هدف عمده‌ی این جریان‌ها، غالباً در جهت حمایت از توده‌های رنج‌دیده‌ی جامعه و با نیت ترمیم خرابی‌ها بود [۲].

۳-۳- فتوت‌نامه‌ها

در فتوت‌نامه‌ها به بیان اصول و دستورالعمل‌هایی پرداخته شده که برای وصول سالکان و رهروان به فتوت و جوانمردی نیز لازم است. در واقع بزرگان اهل فتوت برای آموزش اخلاقی پیروان و مریدان خود، رساله‌ها و کتاب‌هایی را درباره شیوه و روش جوانمردی می‌نوشتند و آن‌ها را فتوت‌نامه می‌نامیدند [۱۵]، در نتیجه فتوت‌نامه مکتوباتی است، که در باب منش، عقاید، قوانین

و آداب جوانمردان نوشته شده است [۱۶]. افکار و آداب جوانمردی به صورت یک سلسله تعالیم اخلاقی و یک نوع حکمت عملی برای عامه مردم درآمده؛ بدین معنی که آن بخش از احکام دین و اصول عقلی که مربوط به زندگی افراد در جامعه و رفتار آنان با یکدیگر بوده و با گذشت زمان از انواع صافی‌های تجربی و انسانی عبور کرده و در قالب قواعد اخلاقی از نسلی به نسل بعد سپرده شده است [۱].

فتوت‌نامه‌های به‌جامانده از قرون گذشته را می‌توان به دو گروه عمده، تقسیم کرد: فتوت‌نامه‌هایی که به تعریف فتوت و تبیین اصول آن پرداخته‌اند؛ مانند فتوت‌نامه سلطانی که یکی از کامل‌ترین فتوت‌نامه‌های به جای مانده در باب اصول فتوت است و فتوت‌نامه‌هایی که به طور مثال از شهاب‌الدین سهروردی، عبدالرزاق کاشانی، شمس‌الدین محمد بن محمود آملی، نجم‌الدین زرکوب، درویش علی بن یوسف کرکهری و میر سید علی همدانی باقی مانده‌اند و در آخر فتوت‌نامه‌هایی که باید آن‌ها را صنفی خواند، چرا که هر کدام به صنف و پیشه‌ای منسوبند و معانی فتوت را باتوجه به ملزومات و آداب پیشه خود عرضه داشته‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به فتوت‌نامه‌هایی از طبّاخان، قصابان، کفش‌دوزان، سلمانیان، دلاکان، حجامان، سقایان، چیت‌سازان، شاطران، نمدمالان، خبازان، کرباس‌بافان و حمامیان اشاره کرد. نویسندگان هر کدام از این فتوت‌نامه‌ها علاوه بر آن که برای خود، پیری آیینی معرفی کرده‌اند که اول بار به پیشه مورد نظر پرداخته است، کوشیده‌اند به انواع گوناگون، آداب و لوازم رایج در حرفه خود را با آداب و لوازم جوانمردی مرتبط سازند. این فتوت‌نامه‌ها به دلیل ماهیت تعلیمی خود اغلب به صورت پرسش و پاسخ تنظیم شده‌اند.

۳- اصناف

در ادبیات فارسی واژه صنف (به صورت جمع اصناف) کاربرد وسیع و اغلب مبهمی دارد و برای معین ساختن هرگونه اجتماع مردمی در جامعه که قابل تشخیص بوده، یا به واسطه‌ی فعالیت عمومی یا علایق گرد هم می‌آمدند، استفاده می‌شود [۱۸].

صنف در لغت، مجموعه‌ای از هر چیز است، و هر نوعی از اشیاء صنفی جداگانه است. مورخان قدیم کلمه‌ی «صنف» را به شکلی به کار برده‌اند که ثابت می‌کند، این کلمه از آغاز برای بیان جماعات پیشه‌وری در جامعه‌ی اسلامی به کار می‌رفته است. کلمه‌ی «صنف» در جامعه‌ی اسلامی بیانگر گروه‌های شغلی و پیشه‌وری بوده است، هم‌چنان‌که به آن‌ها «اصحاب المهن» (صاحبان مشاغل و کسبه) و «اصحاب حرف» (پیشه‌وران) و «ارباب مهن و حرف» (کسبه و پیشه‌وران) نیز گفته می‌شد [۱۲]. در تعریف دیگری از فلور^۱ آمده: اصناف گروهی هستند که در اشتغال مشترکی حضور دارند که رئیس و اعضا را خود انتخاب می‌کنند. این گروه کارکرد مالی و اداری دارند. به علاوه این گروه احتمالاً کارکرد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی نیز دارند [۳۸].

۳-۱- تاریخچه اصناف

پیروزی مقدونیان بر ایران، موجب رشد تجارت و توسعه شهری شد. شاهان ساسانی شهرهای بسیاری ایجاد کردند که به مراکز تولید صنایع‌دستی و مبادلات تجاری تبدیل شد، گرچه حفاری‌های باستان‌شناسی، الگوی طرح‌های شهری را معلوم نساخته، اما محتمل است که در هر شهر بخش تجاری وجود داشته و چه بسا بخش تجاری چیزی از شکل و خصوصیات بازار دوره اسلامی را داشته است. احتمالاً در این صورت پیشه‌وران و تجار دوران باستان به عنوان پیشاهنگ اصناف ایران دوره اسلامی، نخستین گام‌هایی را در زمینه ایجاد سازمان‌های منسجم حرفه‌ای برداشته بودند [۱۸]. گرچه مطالعه تاریخ اصناف به‌گونه‌ای استوار آغاز شده، اما به نظر می‌رسد درباره این که چه هنگام و چگونه سازمان‌های صنفی پیشه‌وران و تجار به وجود

آمدند، نتایج و پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای به دست نیامده است. تنها واقعیت مسلم این است که ساختار و عملکرد اصناف در ایران تا اندازه زیادی تحت تاثیر اسلام قرار گرفت [۱۸].

چنان که ابتدای پیدایش اصناف اسلامی را به قرن سوم هجری نسبت می‌دهند که دوره‌ی شکوفایی تمدن اسلامی و رونق تجارت و شهرنشینی بود. در این قرن بود که تشکیل افزارمندان و صنعتگران بر اساس حرفه‌ها و پیشه‌ها به وجود آمد، رشد و توسعه‌ی کامل شهرها در دو قرن پنجم و ششم هجری، فعالیت‌های اصناف را توسعه‌ی فراوان بخشید. در سده‌های چهارم و پنجم بر شمار این انجمن‌ها افزوده شد و پیشه‌وران هر حرفه برای خود صنف جداگانه‌ای پدید آوردند [۱۸].

گرچه اسناد موجود سابقه تشکیل نظام‌های صنفی در ایران را به قرون اولیه اسلامی برمی‌گرداند اما ابن بطوطه [۳۷] در گزارش خود، به وجود سازمان صنفی در بازارهای اصفهان و شیراز در قرن هشتم اشاره می‌کند که به گروه‌هایی از مردم شهرنشین دارای یک حرفه‌ی معین در راسته‌های منظم در بازار اطلاق می‌شود که دارای سلسله مراتب بودند و از میان خود رئیسی به نام «کلو» انتخاب می‌کردند [۲۰]. پیش از این، گرچه در منابع به پیشه‌وران و شکلی از سازماندهی آن‌ها اشاره شده است، با توجه به تعریف ما از سازمان صنفی و نبود شواهد کافی نمی‌توان آن‌ها را سازمان صنفی دانست [۲۰].

۳-۲- کارکردهای اصناف

شوبرگ کارکردهای ذیل را که در تمامی اصناف مشترک است، مشخص می‌کند: ۱- اصناف دارای حق انحصاری یک شغل خاص هستند. ۲- اصناف برای انتخاب اعضا قوانینی دارند. ۳- آموزش تنها در اصناف صورت می‌گیرد. ۴- اصناف به حفظ کیفیت ساخت (محصول) توجه دارند. ۵- اصناف بستری برای بیان مطالبات سیاسی هستند. ۶- اعضا می‌توانند با روی هم گذاشتن ثروت‌ها (دارایی‌ها) به یک‌دیگر کمک کنند. ۷- احساس همیاری متقابل آن‌ها قوی است. ۸- آن‌ها کارکرد مذهبی و آئینی دارند [۲۱].

۳-۲-۱- کارکردهای اجتماعی اصناف

یکی از عوامل با اهمیت در بحث سازمان صنفی، تاکید بر کارکرد اجتماعی اصناف است؛ همان که دورکیم آن را «کارکرد عادی زندگی مشترک» می‌نامد. درواقع، اصناف اندامی برای حفظ و بقای همبستگی اجتماعی هستند. آن‌ها با فراهم آوردن محیطی که در آن احساسات، افکار و علایق جمعی در قالب یک هویت گروهی شکل می‌گیرد، زندگی اقتصادی میان اعضای صنف را اجتماعی و اخلاقی می‌کنند. بنابراین، منظور از سازمان صنفی، صرفاً ارتباط افراد هم‌حرفه نیست، بلکه به بیان دورکیم "سازمان صنفی است که حافظ وحدت و امانت‌دار سنت‌ها و اعمال مشترک افراد هم‌حرفه می‌باشد و در صورت لزوم آن‌ها را وادار به رعایتشان می‌کند" [۲۰ و ۳۹].

یکی از جنبه‌های وظایف عمومی اصناف در دوره صوفی، مشارکت در احداث و اداره مساجد و اوقاف بود. گرچه صاحب منصبان حکومتی در شهرها، در این امور خود را سهیم می‌کردند، اما اقدامات برای پوشش همه نیازها ناکافی بود و بیش‌تر به صورتی سطحی برای تظاهر به خیرخواهی یا دین‌داری حکومت در چشم مردم بوده است. اغلب نارسایی و کمبودها را پیشه‌وران و کسبه توانگر جبران می‌کردند. چنان‌که در زمان حکومت شاه عباس اول، مسگری ساده ملقب به مقصود بیگ که با کسب ثروت بسیار توانگر شده بود، امکاناتی چون بازارچه، چهارسوق و کاروان‌سرا ایجاد کرد. همه این بناها در شمال شرق میدان شاه اصفهان بر جای مانده و هنوز به نام او مشهور است [۱۸].

۳-۲-۲- پیوند اصناف با مذهب و اجتماع

یکی از ویژگی‌های اصناف ایرانی که در دوره صفوی یادآوری شده و به صورتی برجسته در دوره قاجاریه تداوم یافته، نقش آن‌ها در زندگی اجتماعی و مذهبی است. بر پایه سنت دیرپای اصناف، یک پیشه‌ور یا یک مغازه‌دار باید در درجه نخست یک مسلمان معتقد باشد. رفتار وی باید در مسیری باشد که فضائلی هم‌چون صداقت، سخاوت و شجاعت علی بن ابی طالب (ع) نشان عالی آن بوده و هم‌چنین علاقه‌مند به مکتب جوانمردی (فتوت) باشد. باتوجه به این دلیل و دلایل دیگر اصناف پیوند

نزدیک خود را با روحانیت مسلمان حفظ می کردند و مراسمی مذهبی خاص خود را برگزار می کردند. آن ها هم چنین سهم برجسته ای در مراسم و جشن های عمومی ایفا می کردند و عموماً سرشتی مذهبی یا نیمه مذهبی داشتند. بازار نه تنها مرکز داد و ستد و پیشه وری، بلکه مرکزی برای ملاقات های اجتماعی نیز بود. آن ها مساجد، تکیه ها، مدارس، قهوه خانه هایی به خوبی مغازه ها و باراندازها داشتند هم چنین چهارسوق و قهوه خانه مکان های ملاقات مطلوبی بودند [۱۸].

۳-۳- امور داخلی اصناف

بیش تر اسناد و اطلاعاتی که در رابطه با سازمان داخلی صنف موجود است از دوره پس از مغول آمده است. در حدود همان زمان که اصناف با برادران صوفی یا درویش ادغام می شدند [۱۹].

در دوره صفوی هر تجارتی صنفی تشکیل می داد که به وسیله رئیسی که توسط اعضا صنف انتخاب می شد صنف را هدایت می کرد. رئیس اتحادیه صنفی (کدخدا) دکان نداشت، اما از اتحادیه صنفی حقوق دریافت می کرد. اگرچه ایده آل این بود که یکی از مسن ترین و مجرب ترین استادکاران صنف برای این کار انتخاب شوند، اما این کار اغلب به صورت موروثی بود [۳۸]. در این دوره امور داخلی اصناف به دست باشی ها و کدخداها اداره می گردید. باشی از میان اعضای ماهر یک صنف انتخاب، اما توسط حکومت منصوب می شد و از این رو اعضا آنان را در آن سوی خط می دیدند. کدخدا که اعضا وی را به عنوان نماینده خود در نظر می گرفتند، از احترام بیش تری برخوردار بود که هر تلاشی را برای دفاع از منافع صنفی خود صورت می داد [۱۸].

در دوره قاجار سازمان داخلی اتحادیه صنفی در دست رئیس صنف و استادان بسیار پرنفوذ بود که به عنوان ریش سفیدان یا شیوخ شناخته می شدند. آن ها با هم هیئت حاکمه اتحادیه صنفی را تشکیل می دادند و هنگام حل و فصل اختلافات یا مجازات جرایم، این هیئت حاکمه دادگاه اتحادیه صنفی را تشکیل می داد. اختلافات بین اتحادیه های صنفی توسط یک دادگاه مشترک حل و فصل می شد. رئیس صنف به نام های مختلفی همچون کدخدا، بزرگ، رئیس، استادباشی یا واسطه ی صنف شناخته می شد. کدخدا بایستی از میان استادان اتحادیه صنفی انتخاب می شد و به تایید کلاتر می رسید. رئیس صنف، جز به علت مخالفت رأی دهندگان علیه او، به ندرت پیش می آمد که اخراج شود؛ حتی آن ها نیز بایستی قصور یا جرم او را ثابت می کردند [۱۹].

۳-۳-۱- مراتب صنف

اطلاعات ما از مراتب صنف، به ویژه در دوره های نخستین، ناچیز است ولی چیزی که تایید وجود آن را ممکن می سازد تشکیلات منظم موجود در میان اهل اصناف است، این مراتب عبارتند از: شیخ صنف، استاد، خلیفه، صنعتگر و کارآموز؛ در دوره ی متاخر رتبه ی «نقیب» نیز در میان اصناف پیدا شد [۱۲].

در ریاست اصناف شیخ است. او توسط پیشه وران برجسته انتخاب می شود و ترکیبی از وظایف رهبری، خزانه داری و کتابت کردن را برعهده دارد. بعد از او اکتیاریا یا بزرگان پیشه وران برجسته، که با اداره کل صنفی همکاری می کنند، می آیند. بعد از آن پیشه وران برجسته^۲ بدنه اصلی این گروه اند. در بعضی از مراحل یک واسطه وجود دارد که صنعتگر خلیفه^۳ (همراه یا یار) نامیده می شود [۹].

۴- فتوت نامه های اصنافی

در باب اینکه فتوت از چه زمانی در ساختار صنفی مطرح شده، آرای گوناگونی ارائه شده است. برخی تشکیل فتوت اصناف را تا پیش از اسلام به عقب می رانند و برخی نیز شواهدی از فتوت اصناف را در قابوس نامه نشان می دهند [۲۲].

همه اصناف پیشه وران به ویژه از اواخر قرن هشتم هجری در همه جا خود را به شاخه ای از فتوت منسوب داشتند و هر یک از پیشه وران سعی کردند تا پیشه و صنعت خود را از دیگران بهتر و برتر قلمداد کنند [۱۷].

در دوره‌ای که فتوت و جوانمردی با سلوک اخلاقی و عرفانی -چه عامیانه و چه غیرعامیانه- آمیخته شد، در محدوده عادات و رفتارهای عرفانی محدود نماند و چون بسیاری از عارفان، خود دارای شغل و حرفه بودند، از این‌رو آیین فتوت را در مشاغل و حرفه‌ها و در آداب و قواعد هر یک از شغل‌ها نیز دخالت دادند و بر این باور بودند که اگر کسی وارد عرصه فتوت شود، شغل و حرفه او هم وارد عرصه فتوت و جوانمردی می‌شود و او باید در شغل خود نیز، این اصول جوانمردی و فتوت را مراعات نماید [۶].

از دیدگاه محققان مانند لمبتون^۴ (۱۳۶۰)، تیشنر^۵ (۱۳۳۵) و کاهن^۶ (۱۳۸۰)، آن‌چه در اواخر سده‌های میانه سازمان‌های صنفی را در ایران متشکل‌تر و منسجم‌تر ساخت، تعامل میان پیشه‌وران و سازمان‌های فتوت بود؛ تعاملی که پیشه‌وران را در امتداد ساختارهای سازمانی فتوت سازمان داد و فتوت را به قانون اصناف تبدیل کرد [۲۰].

آیین‌های پیوستن به گروه فتيان تا حد بسیاری شبیه آیین‌های پیوستن به اصناف است و این تشابه در دو تشکیلات، نشانگر تاثیر متقابل میان آن‌ها است، حتی اصناف عربی اسلامی، به احتمال قوی از قرن ششم هجری روش‌های اخلاقی و آیین‌های گروه‌های فتيان را اخذ کردند و پیشه‌وران و صاحبان حرف به سازمان‌های فتوت پیوستند [۱۲].

از طرفی، فتوت سلسله مراتبی مانند آن‌چه در تشکیلات اهل اصناف نیز موجود بود، داشت به‌طوری در میان اهل فتوت شیخ (مقدم)، مهتر (کبیر)، پیشوا (زعیم)، رهبر (قائد)، پدر (أب)، یا سرگروه (رأس‌الحزب) نامیده می‌شد، و هم‌چون نظام‌های صنفی نظر او مطاع بود که با بیان فضائل، شرف و بزرگی فتوت، فتيان را پند و اندرز می‌داد و هر مهتر، گروهی شاگرد داشت. داشتن پیشه و شغل در کنار اموری هم‌چون وفا، گذشت و خدمت به خلق، جزء شرایط فتوت تلقی می‌شد و این امر عامل به وجود آمدن اصناف فتوت گشت. از قرن پنجم، ورود به جمع اصحاب فتوت، آداب ویژه‌ای به خود گرفت و به‌تدریج نوشتن فتوت‌نامه هم‌چون تدوین منشوری اخلاقی درآمد. [۸]. گرچه بیش‌تر اسناد موجود به طور مشترک فتوت‌نامه‌نویسی در باب اصناف را به قرون ۸، ۹ و ۱۰ قمری منسوب می‌دانند.

۴-۱- تاثیر جنبه‌های اخلاقی فتوت‌نامه‌ها در اصناف

در فتوت‌نامه‌ها، مشاغل با رازورزی و جنبه‌های اخلاقی همراه شده و تحقق این امور مشروط به سلوکی نفسانی - اخلاقی می‌باشد. برجسته‌ترین جنبه فتوت در صبغه اخلاقی آن نهفته می‌باشد و از این‌رو برخی در مقام تعریف از فتوت چنان سخن می‌گویند که گویا علم اخلاق را تعریف می‌کنند. برای نمونه، فتوت‌نامه سلطانی در تعریف فتوت می‌گوید: "فتوت در عرف عام عبارت است از اتصاف به صفات حمیده و اخلاق پسندیده، بر وجهی که بدان از ابناء جنس خویش ممتاز گردد و به تعریف خواص عبارت است از ظهور نور فطرت انسانی و استیلاي آن بر ظلمت صفات نفسانی تا فضایل اخلاق باسرها [کاملاً] ملکه گردد و ردایل به کلی اشفاء پذیرد" [۴].

۴-۱-۱- لزوم تهذیب نفس و سلوک اخلاقی در حرفه‌ورزی

در سنت فتوت، ورود یک جوان در یک صنعت، کارآموزی، کسب اجازه از استاد فن، حق باز کردن دکان به دست او همراه با مراسم خاصی بود که فرد را آماده می‌ساخت تا به کار خود، نگاهی مقدس و عبادی داشته باشد و به شغل و صنعت او چهره‌ای عرفانی می‌بخشید [۶]. به‌طوری که صنعتگران یا هنرمندان، هم‌چون معماران، خطاطان، کتاب‌آرایان، شاغلان در هنرهای تزئینی و مانند آن‌ها می‌توانستند به شغل خویش به‌منزله امری اسرارآمیز، مقدس و عبادی بنگرند و آن شغل را با آداب معنوی قرین سازند [۲۳].

ابن معمار بغدادی، دویست صفت را برمی‌شمارد که فتا باید دارا شود یا از آن‌ها اجتناب کند که در راس آن‌ها معرفت خداوند و ایمان به او، ملائکه، کتاب‌ها و پیامبران قرار دارد. سپس تمامی آن‌چه که برای یک سلوک اخلاقی لازم می‌باشد، برمی‌شمرد و در پایان می‌گوید: طالب فتوت باید سالک راه متقین و مسیر رستگاران باشد که اگر چنین شد، به‌حقیقت فتا شده است [۲۴].

در قابوس‌نامه نیز می‌خوانیم:

بدان که جوانمردی آن بود که او را از آن چندگونه هنر بود: یکی آن که دلیر و مردانه و شکيبا بود به هر کاری و صادق الودع و پاک عورت و پاکدل بود و زیان کسی به سود خویش نکند و زیان خود از دوستان روا دارد و بر اسیران دست نکشد و اسیران و بیچارگان را یاری دهد و بد بدکنان از نیکان باز دارد و راست شنود، چنان که راست گوید و داد از تن خود بدهد و بر آن سفره که خورد، بد نکند و نیکی ز بدی مکافات نکند و از زنان ننگ دارد و بلا راحت بیند. [۲۲]

باز در تأکید همین مسئله و ارتباط وثیق فتوت و سلوک اخلاقی می‌خوانیم: فتوت اصولاً از لوازم سلوک به‌شمار رفته است؛ سالک تا در بذل وجود جوانمرد نباشد، نمی‌تواند از مراحل صعب سلوک بگذرد. لازمه فتوت سالک، از خودگذشتگی و بذل وجود و ایثار است و جوانمرد کسی است که عوامل نفسانی را ترک گوید؛ خاصه بخل و کبر را و در بذل مال و جان در راه خلق مضایقه نداشته باشد و در بخشش و سخاوت سخت پاکباز باشد [۱].

۴-۱-۲- جایگاه ویژه آیات و اذکار در حرفه‌ورزی

هیچ فتوت‌نامه‌ای را نمی‌توان یافت که بزرگان طریق فتوت در جای‌جای آن با بهره‌گیری مناسب از آیات و اذکار و اوراد، سالک را به جهت معنوی این مسیر و لزوم تذکار مستمر این ساحت رهنمون نشده باشند. نگاهی به فتوت‌نامه‌ها و رصد کردن این رویکرد در آن‌ها نشان می‌دهد که استفاده از آیات به هیچ وجه از باب تفنن در سخن و کلام‌آرایی و نشان دادن توانایی ادبی هم‌چون تلمیح و تضمین و مانند آن نیست. ویژه‌تر آن‌جاست که در خوانش برخی از این رساله‌ها که در ظاهر به‌راحتی نمی‌توان برای مشاغل مدنظر آن‌ها جهانی معنوی متصور شد، حضور چشمگیر این رویکرد را شاهدیم [۱].

۴-۲- حرفه‌های دارای فتوت‌نامه

بی‌گمان از ارزشمندترین فتوت‌نامه‌ها، فتوت‌نامه‌های صنفی است چه این جوانمردی‌نامه‌ها افزون بر این که منش جوانمردی را به خوانندگان خود می‌آموزد، آنان را با آداب و رسوم و پندارهای پیشه‌وران گذشته سرزمین‌های اسلامی نیز آشنا می‌کند. فتوت‌نامه چیت‌سازان، فتوت‌نامه آهنگران، سلمانیان، سقایان، قصابان، طبّاخان و... از جمله این فتوت‌نامه‌ها هستند [۲۵].

فتوت‌نامه‌نویسان، اشتغال به پاره‌ای از مشاغل را با روحیه فتوت و جوانمردی ناسازگار دانسته و نام صاحبان آن مشاغل را در کنار نام بزه‌کاران، دروغ‌گویان و نیرنگ‌بازان ذکر کرده‌اند و با آن که در عصر صفوی، حرفه‌هایی مانند معماری، طبّاخی، کفش‌دوزی، سلمانی و... دارای فتوت‌نامه بوده‌اند، شماری دیگر از مشاغل - از جمله پاره‌ای از هنرها - فاقد آن بوده‌اند [۸]. ابن‌معمار بغدادی، از بزرگان فقیان عراق در قرن هفتم، مشاغلی را که دارای فتوت‌نامه نبوده و شرایط فتوت را نداشته‌اند، نام می‌برد که صورتگری، قصه‌گویی، نی‌نوازی، شعبده‌گری، دلقک‌بازی، ساختن آلات موسیقی، خنیاگری و رامشگری از این دست می‌باشند [۲۴].

دقت در مشاغلی که شایسته فتوت‌داری دانسته نشده‌اند، نکته جالب دیگری را برای ما روشن می‌کند و آن این که گاهی حتی مکروه بودن حرفه‌ای مانع ورود آن به عرصه فتوت می‌شده است. ناصری گروه‌های دلاکان (که حجامتگر هم بودند)، دلالان، جولاهان، قصابان، جراحان و صیادان را برای فتوت‌داری ناشایسته شمرده است [۶].

۵- پیوند صنف معماری با آیین فتوت

معمار خود را عضوی از جامعه و تابع معیارهای آن می‌دید و وظیفه خود را بهبود بخشیدن به ضوابط آن می‌دانست و برای فراهم آوردن مسکن مطلوب، خود را موظف به بهره‌گیری از تجارب هزاران رساله معماران پیش می‌دانست و این طرز تفکر در نظام اجتماعی و حرفه‌ای آنان نیز تجلی می‌کرد. معماران نظام صنفی مستحکمی داشتند. معمار، از روز نخست در کسوت کارگری، غیمی و شاگردی با نظام صنفی آشنا می‌شد و فراخور استعداد و پشتکار خود مدار آن را طی می‌کرد. آموزش و علم

غیرحرفه‌ای و حرفه‌ای او به نحوی ظریف و طبیعی با نظام صنفی مرتبط بود. این نهادهای صنفی به تدریج با حلقه‌های صوفیه مرتبط شدند و کم‌کم هر نظام صنفی حلقه‌ای خاص خود یافت. به این حلقه‌های صوفیانه صنفی "فتیان" (جوانمردان) یا "اهل فتوت" می‌گفتند [۲۶].

۵-۱- نظام صنفی معماری

از رساله معماریه چنین برمی‌آید که ورود شاگرد یا طالب فن به مجموعه کارگاه‌های فنون در باغ‌های سلطانی به منزله ورود به صنف بوده است. هر شاگرد، استادی مستقیم و اصلی داشت که نزد او به تعلم هندسه عملی می‌پرداخت. همه این استادان، خود شاگرد و مرید استاد بزرگ‌تری بودند که استاد استادان و رئیس معماران کشور محسوب می‌شد. نخستین مرتبه شایان توجه در صنف معماران، استادی در نجاری و بالاترین مرتبه "معمارباشی" بود که به دارنده آن منصب "سر معماران" خاصه می‌گفتند [۲۶].

۵-۱-۱- سلسله مراتب حرفه‌ای در نظام صنفی معماری

وجود سلسله مراتب حرفه‌ای در صنف معماران، نشان‌دهنده تفاوت‌های موجود در مهارت و دانش آن‌هاست. در دوره پیش از اسلام، «براساس الواح گلی مکشوف در تخت جمشید، وجود گروه‌های شغلی و سلسله مراتب صنفی قطعی است. براساس میزان دستمزدهای پرداختی به سازندگان تخت جمشید می‌توان حداقل به سه رتبه شغلی استادکار، دستیار و کارگر ماهر پی برد. در دوره‌های بعد از اسلام نیز وجود سلسله مراتبی در صنف معماران قابل ملاحظه است. در یوآقیت العلوم که در قرن ششم هجری نوشته شده، از جماعت بنایان نام برده شده است و کتاب معالم القریه که اصناف دوره اسلامی در قرن هفتم را طبقه‌بندی کرده، از صنف بنایان، درودگران، گچ‌کاران در جامعه اسلامی یاد کرده است» [۲۷].

در ایران، همواره تقسیم‌بندی‌هایی در صنف معماران وجود داشته است، شاید دلیل این موضوع را بتوان تفاوت در میزان مهارت این افراد در کار حرفه‌ای و همچنین تفاوت در برخورداری آنان از برخی دانش‌های نظری عنوان کرد که سایرین از آن‌ها برخوردار نبودند؛ برای مثال براساس تاریخ جهان آرای عباسی در دوره صفویه بین معمار، بنا و عمله تفاوت وجود داشته است [۲۸]. معمار، استاد و مهتر بنایان است که اطلاعات بسیاری در امر ساختمان دارد و نقشه و طرح ساختمان را تهیه می‌کند [۲۹]. در ارتباط با برخورداری از عنوان مهندس، وجود دانش هندسه ضروری بوده است. مهندس کسی است که در علم هندسه و اشکال، عالم باشد و عنوان معمارباشی به رئیس گروه معماران و رئیس صنف معماران در دوره صفویه و قاجاریه اطلاق می‌شده است [۲۹].

آموزش و اطلاع از برخی از علوم و مباحث و مهارت‌ها باعث می‌شد تا معمارباشی‌ها و مهندسان از جایگاه اجتماعی بالاتری نسبت به بنایان و عمله‌ها برخوردار باشند و از آنان متمایز کردند و حتی گاهی بتوانند به مراتب دیوانی و دولتی دست یابند و با رجال سیاسی و حکومتی هم‌نشین گردند. شاهد این ادعا وجود پادشاهان و فرمانروایانی است که با صفاتی هم‌چون مهندس و معمار ملقب می‌شدند. در تاریخ بی‌هقی، سلطان مسعود غزنوی با صفت مهندس ذکر گردیده و در این باره آمده است: «این پادشاه فرمود که چنان دانستی در بناها که هیچ مهندس را به کس نشمردی، و اینک سرای تو به غزنین می‌بینید، مرا گواه بسنده است و به نیشابور شادیاخ را درگاه و میدان نبود، هم او کشید به خط خویش، سرایی بدان نیکویی و چندین سراپچه‌ها و میدان‌ها تا چنان است که هست» [۳۰].

در دوره تیموری نیز معمارانی بوده‌اند که دارای جایگاه‌های مهم دیوانی بوده‌اند. «دولت‌شاه سمرقندی در تذکره‌الشعراي خود در شرح احوال شاهرخ می‌نویسد: اما چهار هنرمند در پایتخت شاهرخي بوده‌اند که در ربع مسکون به روزگار خود نظیر نداشتند: خواجه عبدالقادر سراغی در علم ادوار و موسیقی، یوسف آندگانی در خوانندگی و مطربی، استاد قوام‌الدین در مهندسی و طراحی و معماری، و مولا خلیل مصور که ثانی مانی بوده» [۳۱]. در دوره صفویه نیز، خواجه علی اکبر اصفهانی به کار دیوانی اشتغال داشت و هم از معماران مقرب درباری بود.

در دوره زندیه، میرزا جعفرخان، معمارباشی دولت زندیه بود و در زمان ناصرالدین شاه قاجار، شغل معمارباشی از مشاغل بسیار مهم دربار به حساب می‌آمد. ابوالحسن نوایی از جمله معماران مقرب دربار در دوره قاجار بود که در سال ۱۳۰۰ ه. ق معمارباشی دربار شد و به لقب صنیع‌الملکی مفتخر گردید [۳۲].

۵-۲- طبقه‌بندی اصناف و جایگاه اجتماعی معماران (مهندسان)

بی‌گمان بخش مهمی از شناخت تاریخ معماری ایران را اسناد دیوانی و متون تاریخی تشکیل می‌دهند. این اسناد با توجه به این که در تدوین و تألیف خود از صحت و دقت تاریخی نسبتاً بالایی برخوردار هستند، می‌توانند از اصناف و پیشه‌ها و شأن اجتماعی گروه‌های یک دوره تاریخی، اطلاعات ارزنده‌ای را به‌دست دهند. کتاب دستورالکاتب فی تعیین المراتب نوشته هندوشاه نخبجوانی از جمله این منابع ارزشمند است که در شناخت تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایلخانان و اصناف و پیشه‌وران این دوره قابل اعتنا است. می‌توان با اساس قرار دادن این کتاب و استخراج گروه‌های اجتماعی به‌خصوص جایگاه معماران و مهندسان و دیگر اصنافی که در رده‌های پایین‌تر و بالاتر از این پیشه قرار دارند و با بررسی روابط آن‌ها با یکدیگر در این دوره گام مؤثری در شناخت نقش این پیشه‌ها و سایر عوامل دخیل در ارتباط با آن‌ها برداشت [۳۳ و ۳۴].

نخبجوانی در مرتبه اول به طبقه‌بندی جامعه با تقسیم آن به سه گروه می‌پردازد. در مرتبه اول، القاب سلاطین و خانواده او و شاهزادگان قرار دارند. در مرتبه دوم به صاحبان قدرت و بزرگان کشوری و لشکری و... پرداخته می‌شود. مرتبه سوم به «الناس» یا گروه‌های فاقد قدرت سیاسی اختصاص دارد [۳۳ و ۳۵]. این گروه به دو صنف تقسیم می‌شود: صنف اشراف و اواسط. صنف اشراف به ۳۸ گروه تقسیم می‌شود (جدول شماره ۱)، که در رأس آن‌ها علما و در پایان، صدور و اعیان قرار دارد، صنف معماران و مهندسان در رده «۳۷» این گروه و طبقه قرار گرفته است [۳۴ و ۳۵].

جدول ۱: جایگاه پیشه‌ها و مشاغل در مرتبه سوم نخبجوانی

ردیف	پیشه و منصب	ردیف	پیشه و منصب	ردیف	پیشه و منصب
۱	علما	۸	خطبا	...	...
۲	حکما	...	...	۳۳	ابطال ^۹ و شجعان
۳	مدرسان	۱۳	حفاظ	۳۴	اسفهلاران ^{۱۰}
۴	مقتیان	۱۴	ارباب فتوت	۳۵	کوئوالان ^{۱۱} و قلاع
۵	مفسران	۱۵	صلحا و منقطعان	۳۶	مقدمان طوایف
۶	محدثان ^{۱۲}	۱۶	محتسبان ^۸	۳۷	مهندسان و معماران
۷	وعاظ	۱۷	منجمان	۳۸	صدور ^{۱۳} و اعیان

اما دستورالکاتب تنها گزارش و منبع برای این تقسیم‌بندی و معرفی جایگاه اجتماعی معمار و مهندس نیست. کتاب دستور دبیری و مکاتبات رشیدی متونی از قرن ششم هجری و پیش از دستورالکاتب همین تقسیم سه‌گانه را گزارش می‌دهند. دیگر منابع این دوره چون اخلاق ناصری طوسی و کتاب نفایس‌الفنون فی العرایس‌العیون با تقسیم جامعه و اصناف به سه گروه و قرار دادن ارباب صنعت چون معماران و مهندسان در مرتبه متوسط، مشابه همین طبقه‌بندی را ارائه می‌دهند (جدول شماره ۲). در تمامی این متون جایگاه اجتماعی معمار و مهندس به‌خوبی مشخص شده است، اما باید به این نکته توجه داشت که مطابق کتاب هندوشاه نخبجوانی، گروه‌های اجتماعی در ایران و در این دوره مانند معمار و مهندس، براساس آمیزه‌ای از منزلت معنوی در جامعه و نزدیکی با قدرت سیاسی یا دینی این امکان را داشتند تا از مرتبه پایین به مرتبه‌ای بالاتر راه پیدا کنند [۳۴].

جدول ۲: طبقه‌بندی جامعه و اصناف و جایگاه اجتماعی معماران و مهندسان

طبقه‌بندی اصناف و مشاغل در اخلاق ناصری طوسی	طبقه‌بندی اصناف و مشاغل در دستورالکاتب	طبقه‌بندی اصناف و مشاغل در نفایس الفنون
شرافتمندانه: حرفه‌هایی که مربوط به جان و روح آدمی است که حرفه آزادگان نیز نامیده می‌شود و خود به دو دسته تقسیم می‌شود: اول به عقل و اندیشه مربوط است، مانند حرفه وزیران و دوم به فضل و ادب مانند نویسندگی، نجوم، علم هندسه و پزشکی.	مرتبه اول: نخجوانی در کتاب خویش به سه بخش متمایز از جامعه پرداخته است. مرتبه اول شامل سلاطین و خانواده او یعنی خواتین و شاهزادگان است.	صناعت شریف: «همچو صنعتی بود که از خیر نفس باشد نه از خیر بدن». این صنعت سه صفت دارد: اول این که به جوهر عقل تعلق دارد، مانند کار وزارت. دوم آن که به ادب دارد، مانند کتابت و نجوم و مساحت و آخر این که به قوت و شجاعت تعلق دارد، مانند اداره لشکر و سوارکاری
حرفه‌های متوسط: انواع کسب و کارهایی است که برخی ضروری هستند چون زراعت و کشاورزی و برخی غیرضروری مثل زرگری. معماران در این مرتبه قرار داشتند.	مرتبه دوم به صاحبان قدرت و بزرگان کشوری و لشکری و غیره پرداخته شده است. در این مرتبه حضور گروه‌هایی چون نقیب النقباء و مشایخ النقباء قابل توجه است.	صناعت متوسط: این صنعت دارای دو حرف ضروری و غیرضروری است. ضروری مانند: زراعت و کشاورزی و بعضی صنایع دیگر چون درودگری و نجاری و پیشه‌های بنایی و معماری و بعضی غیرضروری مانند صباغت.
حرفه‌های پست و بی‌ارزش: بر سه قسم است: منافی با مصلحت عمومی است، چون احتکار که حرفه مفسدان است. دوم آن چه منافی با فضیلت است مانند دلق‌بازی و قماربازی که حرفه احمقان است. سوم آن چه موجب تنفر و انزجار طبع است، مانند حجامت و دباغی که حرفه فرومایگان است.	مرتبه سوم به الناس یا گروه‌های فاقد قدرت سیاسی (بدون نقش در امور حکومتی) پرداخته شده است. این گروه خارج از طبقه حاکم محسوب می‌شد. صنف معماران و مهندسان در این مرتبه قرار دارد.	صناعت خسیس: اول آن که «منافی مصلحت عموم بود» یعنی کارهای چون احتکار و جادو که صناعت مفسدان است. دوم «منافی فضیلتی از فضایل بود» مانند مطربی که این صناعت سفها است و سوم آن که «مقتضی نفرت طبع بود» مثل حجامت و دباغت که این ها صناعت فرومایگان است.

۵-۳- فتوت‌نامه صنف معماری

تاکنون فتوت‌نامه‌ای که دقیقاً برای صنف معماران نوشته شده باشد، یافت نشده است. اما برخی روش‌های آموزش عملی معماری را می‌توان تا حدودی از فتوت‌نامه بنایان و یا فتوت‌نامه‌های مرتبط با حرفه‌ی معماری یافت. غالب فتوت‌نامه‌هایی که مرتبط با صنف معماری‌اند، مربوط به قرن‌های هشتم، نهم و دهم هجری است مانند فتوت‌نامه چیت‌سازان حدود قرن هشتم و یا فتوت‌نامه سلطانی در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و یا فتوت‌نامه آهنگران که حدود قرن نهم هجری نوشته شده‌اند و نشان‌دهنده اهمیت نظام‌های جوانمردی اصناف در این دوره است.

۵-۳-۱- فتوت‌نامه آهنگران

رساله‌ی آهنگری یکی از رسالاتی است که ناظر بر اعمال و رفتار جوانمردان در این صنف است، از این رساله اطلاعات فنی عاید نمی‌شود ولی چون حاوی بعضی اصطلاحات و آداب و رسوم آن فن است باز مفید فایده است. بخش‌هایی از این فتوت‌نامه:

سؤال - اگر تو را پرسند فرض آهنگری چیست؟

جواب - اول با وضو بودن، دوم گره بستن بر زمین نصب کند و گرد برگرد صفحه ببندد که زخم برچشم حواشی‌نشینان نرسد.

سؤال - اگر تو را پرسند برای دم نشینی چه می‌خوانی؟

جواب - بگویم «بسم الله الرحمن الرحیم، فتبارک الله احسن الخالقین، الحمد لله رب العالمین».

سؤال - اگر تو را پرسند وقتی که انبر را به دست می گیری چه می خوانی؟

جواب - بگو: «نارالله الموقده التی...».

سؤال - اگر تو را پرسند وقتی که آهن را کشیده بر سندان می نهی چه می خوانی؟

جواب - بگو: «واتبع مله ابراهیم حنیفا».

سؤال - اگر تو را پرسند که فتکه به دست می گیری چه می خوانی؟

جواب - بگو: «من الشجر الاخضر ناراً فاذا انتم منه توقدون» [۳۶].

۶- نتیجه گیری

وجود فتوت و جوانمردی در میان مردم موجب گردید تا این آیین به میان اصناف، پیشه ها و صناعات نفوذ کند و هر صنفی برای خود، آداب و مرامنامه ای داشته باشد.

در منظر پیشه گران، کار، هدف غایی نبوده، بلکه وسیله ای برای پرورش و رشد بعد شخصی و اجتماعی است. صناعاتی هم چون معماری نزد اهل معرفت پیشه ای بوده است که با آن هم اشتغال به کار داشته اند و هم این پیشه و کار، راه سلوک معنوی آنان محسوب می شده است. پیشه این صنعتگران قبل از این که جنبه اقتصادی داشته باشد، جنبه معنوی داشته است و با آداب و سنن فراوان همراه بوده است.

با مطالعه متون صنفی برجامانده از پیشینیان، چون رساله معماریه، فتوت نامه بنایان و آهنگران، اصولی به عنوان اخلاق حرفه ای صنعت معماری قابل برداشت است که می تواند توشه ای را برای اهل این حرفه فراهم آورد. این مبانی و اصول شامل تأسی به سیره پیشوایان توحیدی، کسب دانش در کسب و کار، احترام به استاد، توجه به اخلاق و معنویت، لزوم ذکر و دعا و توحیدمحوری در صنعت، برکت کار و مال در پرتو صنعت معماری و حق نظارت بر حرفه معماری در اخلاق حرفه ای این صنعت می باشد. آن چه معمار را به رعایت این اصول وادار می دارد، بیش از همه توجه به وجدان مذهبی و اخلاق انسانی است.

پی نوشت

۱- Floor, W. M.

۲- Usta, some times Mu'allim

۳- Khalifa یا Khalfa

۴- Ann Lambton

۵- Edward B. Titchener

۶- Claude Cahen

۷- محدث . [م ح د] (ع ص) حدیث کننده. راوی حدیث. آن که نقل حدیث کند از پیغمبر و جز او. حدیث دان. داننده علم

حدیث و اخبار نبوی. بیان کننده و جمع کننده احادیث نبوی و تالیف کننده آن احادیث و معتمد در نقل حدیث

۸- (م ت س) (ع) [ا. (افا). ۱ - حساب کننده ۲ - داروغه، مأمور حکومت که وظیفه اش امر به معروف و نهی از منکر است

فرهنگ معین

۹- ابطال. [أ] (ع) ج بطل. دلیران. شجاعان.

۱۰- اسفہ سالار. [ا ف] (ص مرکب، ا مرکب) سفہ سالار. سپہ سالار. سپاه سالار.

۱۱- کوتوال. [کوت] (ص مرکب، ا مرکب) دزدار. نگه دارنده قلعه و شهر باشد و او را سرهنگ هم گویند.

۱۲- صدور. [ص] (ع) ج صدر. بزرگان. وزراء.

مراجع

- [۱] کرین، ه. آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
- [۲] خانمحمدی، ع. ا. «فتوت نامه بنیان» نشریه صفا، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، دوره دوم، شماره ۵، ۱۳۷۱.
- [۳] ندیمی، ح. روش استاد شاگردی از نگاهی دیگر، هنرهای زیبا، شماره ۴۴، صص. ۲۷-۳۶، ۱۳۸۹.
- [۴] واعظ کاشفی، م. حسین. فتوت‌نامه سلطانی، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- [۵] صراف، م. رسایل جوانمردان مشتمل بر هفت فتوت‌نامه، معین، تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۷۰.
- [۶] گولپیناری، ع. فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ آن به همراه فتوت‌نامه منظوم ناصری، ترجمه توفیق هاشم‌پور سبحانی. تهران: روزنه، ۱۳۷۹.
- [۷] افشاری، م و مدائنی، م. چهارده رساله در باب فتوت و اصناف. ج ۱. تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۱.
- [۸] شفیعی کدکنی، م. ر. قلندریه در تاریخ دگردیسی‌هایی یک ایدئولوژی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۶.
- [۹] Lewis, B. The Islamic Guilds. The Economic History Review, Vol. 8, No. 1, pp. 20-37, 1937.
- [۱۰] Wilson Chacko, J. Eventful Transformations: Al- Futuwwa between History and the Everyday, Concordia University, 2007.
- [۱۱] تیشنر، ف. گروه فتوت کشورهای اسلامی، مجله‌ی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال ۴، ش ۲، ۱۳۳۵.
- [۱۲] الشیخی، س و صباح، ا. اصناف در عصر عباسی، ترجمه‌ی هادی عالم زاده. تهران: انتشارات نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- [۱۳] ولایتی، ع. ا. دانشنامه جوانمردی (فتوت). ۵ جلد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۲.
- [۱۴] عفیفی، ا. رساله ملامتیه، صوفیه و فتوت، ترجمه: فروهر ن.، تهران: الهام، ۱۳۷۶.
- [۱۵] موسوی، س. ر. هنر اسلامی در آیین فتوت‌نامه‌ها با تأکید بر فتوت‌نامه چیت‌سازان، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره پانزدهم ۲۱-۳۴، ۱۳۹۰.
- [۱۶] افشاری، م. فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.
- [۱۷] افشاری، م. آیین جوانمردی: مرام و سلوک طبقه عامه ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴.
- [۱۸] کیوانی، م. پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی. ترجمه‌ی یزدان فرخی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱.
- [۱۹] Floor, W. M. The Guilds in Qajar Persia, unpubl. Doctoral thesis, Leiden, 1971.
- [۲۰] جوادی یگانه، م.، علامه، س.، تحلیل اجتماعی رابطه‌ی سازمان صنفی و سازمان فتوت در ایران. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۳۹۷.
- [۲۱] Houtart, F. 'SJOBERG (Gideon) (40) The Preindustrial City Past and Present The Free Press, Glencoe, Illinois, 356 p., S 6,75', Social Compass, 8(2), pp. 190-192, 1961.
- [۲۲] عنصرالمعالی، ک. قابوسنامه، سعید نفیسی، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۱۲.
- [۲۳] هولود، ر. اصفهان در مطالعات ایرانی، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵.
- [۲۴] بغدادی، ا. م. کتاب الفتوه، تصحیح مصطفی جواد و دیگران، مکتبه‌المنشی، بغداد، ۱۹۵۸.
- [۲۵] ناظمی، م. آیین جوانمردی، مجله اطلاعات حکمت و معرفت. شماره ۱۲، سال پنجم پیاپی ۶۰، ۱۳۸۹.
- [۲۶] قیومی‌بیدهندی، م. نظام آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله‌ی معماریه، هم اندیشی معنویت و آموزش هنر، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴.
- [۲۷] ریاضی، م. ر. صنف معماران در دوره اسلامی، در مجموعه مقالات کنگره تاریخی معماری و شهرسازی ایران: جلد دوم. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- [۲۸] قزوینی، م. طو. تاریخ جهان‌آرای عباسی، مقدمه و تصحیح سید سعید میرمحمدصادق. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- [۲۹] دهخدا، ع. لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.



**National Conference on Architecture, Civil Engineering,
Urban Development and Horizons of Islamic Art
in the Second Step Statement of the Revolution**

Tabriz Islamic Art University / 20 May. 2021



- [۳۰] بیهقی، ا. تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض. تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۷.
- [۳۱] منشی قمی، م. تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: گلستان هنر، ۱۳۶۶.
- [۳۲] ذکاء، ی. معماران و استادکاران دوره اسلامی: در معماری ایران دوره اسلامی به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- [۳۳] نخجوانی، م. دستورالکاتب فی تعیین المراتب، تصحیح عبدالکریم علی اوغلو علیزاده، مسکو: دانش، ۱۳۵۵.
- [۳۴] فرخی، ی. نقد و بررسی دستور الکاتب فی تعیین المراتب، آینه میراث، شماره ۳۹، صص. ۳۷۲-۳۵۱، ۱۳۸۶.
- [۳۵] فروغ بخش فسایی، ا. دستورالکاتب فی تعیین المراتب اثر هندوشاه نخجوانی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۵۱ و ۵۲، صص. ۴۹-۴۶، ۱۳۸۰.
- [۳۶] افشار، ا. فتوت نامه آهنگران، ماهنامه اطیعات حکمت و معرفت، سال ۵، شماره ۱۲، ۱۳۸۹.
- [۳۷] ابن بطوطه، م. سفرنامه، ترجمه دکتر محمدعلی موحد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
- [۳۸] Floor, W. M. The Guilds in Iran—An Overview from the Earliest Beginnings till 1972. in Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft, 125(1), 99-116, 1975.
- [۳۹] دورکیم، ا. درس های جامعه شناسی، ترجمه سیدجمال الدین موسوی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۱.